

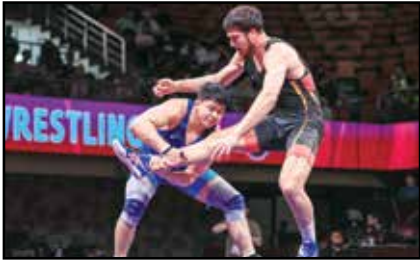
منهای فوتبال

آرش یوشیدا تمام معادلات سنگین وزن را تغییر داد
 تولد یک پدیده

نگار رشیدی

در دنیای کشتی، جایی که اوزان سنگین معمولاً تحت سلطه قدرت‌های سنتی مانند ایران، روسیه،و آمریکا قرار دارند، ظهور یک مدعی جدید از کشوری غیرمنظره می تواند تمام معادلات را به هم بزند. آرش یوشیدا، کشتی گیر جوان ژاپنی (پدر این کشتی گیر ایرانی است)، دقیقاً همین نقش را بازی می کند. او که سال گذشته در مسابقات جهانی ۹۷ کیلوگرم به مدال برنز رسید، در رقابت‌های قهرمانی آسیا ۲۰۲۶ با ۲۰۶ کیلوگرم نامیشی خیره کننده، نه تنها دو ستاره بزرگ آسیا را از پیش رو برداشت، بلکه یک گام دیگر به تحقق رویای تاریخی ژاپن برای کسب نخستین قهرمانی جهان در اوزان سنگین نزدیک شد. پیروزی‌های اخیر یوشیدا نه تنها نشان دهنده پیشرفت فنی اوست، بلکه از بلوغ ذهنی یک قهرمان حکایت دارد. او در مسیر فتح قاره، ابتدا احمد تاج‌الدینوف، قهرمان جهان ۲۰۲۳ و المپیک پاریس ۲۰۲۴ را در هم شکست و سپس امیرعلی آذرپیرا، دارنده مدال برنز المپیک پاریس و نایب‌قهرمان جهان سال گذشته، را مغلوب کرد. این دو پیروزی قاطع، پیامی روشن به جهان کشتی فرستاد: دوران سلطه بلانماز رقبای سنتی به پایان رسیده و یک مدعی جدید آماده است تا جایگاه خود را در بالاترین سطح تثبیت کند.

مسیر قهرمانی برای یوشیدا از مرحله نیمه‌نهایی آغاز شد، جایی که باید با احمد تاج‌الدینوف، ستاره بی‌چون‌وچرای بحرین و یکی از ترسناک‌ترین کشتی گیران وزن ۹۷ کیلوگرم، روبه‌رو می‌شد. تاج‌الدینوف که در سال گذشته تمام بزرگان این وزن را شکست داده بود، برای نخستین بار مقابل یوشیدا قرار می‌گرفت. مسابقه در سه دقیقه نخست با تبادل امتیازات همراه بود و هر دو کشتی گیر تلاش می‌کردند تا برتری خود را دیکته کنند. اما در سه دقیقه دوم، ورق به کلی برگشت. فشار رو به جلوی یوشیدا و حملات پی‌درپی او، تا ناآلینوف را کما‌لاز نفس انداخت. قهرمان المپیک پاریس که معمولاً با حملات انفجاری خود حریفان را گنج می‌کند، در برابر استقامت و حملات بی‌پایان یوشیدا کمالافت کرد. نتیجه نهایی ۱۵ بر ۶ به نفع یوشیدا، نشان دهنده یک پیروزی قاطع و تحقیرآمیز برای قهرمان جهان بود. یوشیدا پس از این پیروزی، ضمن اعتراف به ترس اولیه از حریف قدرتمندش، تأکید کرد: «می‌دانستم چه حرکتی انجام خواهد داد و این کمی ترسناک بود، اما ما المپیمان جلو رفتیم و حمله کردیم.» حفظ روحیه تهاجمی در برابر چنین حریفی، کلید موفقیت یوشیدا بود.



در دیدار فینال، یوشیدا با یک چالش متفاوت روبه‌رو بود؛ امیرعلی آذرپیرا، نایب‌قهرمان جهان و دارنده مدال المپیک. این مسابقه برای یوشیدا جنبه انتقامی داشت. او پیش‌تر در آوریل ۲۰۲۴ و در رقابت‌های انتخابی المپیک پاریس، زمانی که تازه به‌وزن ۹۷ کیلوگرم آمده بود، با نتیجه سنگین ۹ بر یک مغلوب آذرپیرا شده بود. این دیدار، فرصتی بود تا یوشیدانشان دهنه جقدر در این دوسال پیشرفت کرده‌است. مسابقه فینال برخلاف انتظار، با امتیازات کمتری همراه بود. یوشیدا با پیشروی مداوم و قرار دادن آذرپیرا در موقعیت دفاعی، مانع از اجرای فنون مورد علاقه حریف شد. نتیجه چهار بر صفر به نفع یوشیدا، اگر چه شاید از نظر امتیازات جذاب نبود، اما قدرت مطلق او را به نمایش گذاشت. یوشیدا با تواضع گفت: «شاید مسابقه جذابی نبود.» اما سبک هجومی او به وضوح نشان داد که دیگر آن کشتی‌گیر دو سال پیش نیست. این پیروزی، نه تنها یک مدال طلا برای ژاپن به‌ارمعان آورد، بلکه نشان داد که یوشیدا اکنون در اوج آمادگی قرار دارد و برای روبرویی با بزرگ‌ترین نام‌های این وزن آماده‌است.

یکی از نکات کلیدی در بلوغ یوشیدا، بهره‌گیری از درس‌های شکست‌های گذشته‌است. او سال گذشته در مسابقات جهانی، پس از شکست دادن گییبی ماچاراشوئیلی، نایب‌قهرمان المپیک پاریس، در مرحله چهارم نهایی، در نیمه‌نهایی مغلوب کابل استایدر شد. شکست در برابر استایدر برای یوشیدا تلخ بود، چراکه حدود ۷ماه قبل از آن، استایدر را شکست داده بود. او بعدها اعتراف کرد که پس از پیروزی بزرگ بر ماچاراشوئیلی، «کمی احساس رضایت کرده بودم» و تمرکزش را برای مسابقه بعدی از دست داده بود. این تجربه به یوشیدا آموخت که در مسابقات تورنمنتی، پیروزی بر یک حریف بزرگ پایان کار نیست. این بار، پس از شکست دادن قهرمان المپیک، او تأکید کرد که «باید تمرکز را از دست بدهم» و تا پایان مسابقات با حفظ تمرکز، نتیجه‌ای متفاوت رقم زد. این بلوغ ذهنی، کلیدی ترین عامل برای تبدیل شدن به یک استعداد به یک قهرمان پایدار است.

با این قهرمانی، یوشیدا اکنون به یکی از جدی‌ترین مدعیان وزن ۹۷ کیلوگرم در جهان تبدیل شده‌است. احتمالاً در بازی‌های آسیایی ماه سپتامبر در ناگويا، بار دیگر شاهد تقابل این رقبا خواهیم بود. اما در سطحی بالاتر، نام عبدالرشید سعداله‌یف، قهرمان المپیک توکیو ۲۰۲۱، به‌عنوان یکی از رقبای اصلی آینده مطرح‌است؛ کشتی‌گیری که هنوز با یوشیدا روبه‌رو نشده‌است. سعداله‌یف، ملقب به «تاتک‌روس»، یکی از بزرگ‌ترین کشتی‌گیران تاریخ این وزن محسوب می‌شود و روبرویی با او، معیار نهایی برای سنجش توانایی‌های یوشیدا خواهد بود. اما یک احتمال جذاب دیگر نیز وجود دارد که می‌تواند هیجان این وزن را به اوج برساند. در صورتی که حسن یزدانی، فوق‌ستاره کشتی ایران، بتواند در چرخه انتخابی تیم ملی بر امیرعلی آذرپیرا غلبه کند و جواز حضور در مسابقات قهرمانی جهان را کسب کند، احتمال روبرویی یوشیدا با یزدانی نیز وجود دارد. این تقابل، به دلیل سبک‌های متفاوت و جایگاه تاریخی هر دو کشتی‌گیر، می‌تواند یکی از جذاب‌ترین مبارزات سال‌های اخیر باشد. آرش یوشیدا با اعتمادبه‌نفس در مسیر فتح جهان گام برمی‌دارد و باید دید در ادامه، برابر بزرگ‌ترین نام‌های این وزن چه عملکردی از خود به‌نمایش خواهد گذاشت.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیرنظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

فصل رئالی‌ها به بدترین شکل ممکن به پایان رسید

سقوط در مونیخ

آر یا طاری

صبح روز بعد از فاجعه، خورشید بر فراز مادرید با شرمندگی طلوع کرد. در خیابان‌های منتهی به سانتیاگو برنابئو، دیگر خبری از آن غرور همیشه‌گی، آن سینه‌های سپر کرده‌و آن نگاه‌های بالا‌به پایین نبود. هوای پایتخت اسپانیا، بوی خاکستر می‌داد؛ خاکستر رویاهی که در جهنم ایلانتس آن‌راه، در عرض چند دقیقه شوم و نفرین شده، به باد رفت.

شکست چهار بر سه در مونیخ (۶ بر ۰) چهار در مجموع)، صرفاً یک حذف تلخ از لیگ قهرمانان اروپا نبود؛ این فروریختن یک ایدئولوژی بود. این صدای خرد شدن استخوان‌های تیمی بود که زیر بار توقعات بی‌رحمانه‌ی خود، کمر خم کرد. رئال مادرید، نماد مقاومت در شب‌های اروپایی، تیمی که تا ریخش با واژه «بازگشت» گره خورده است، در مونیخ نه به بایرن که به شایطین درونی خودش باخت. این یادداشت، کالبدشکافی یک فروپاشی دراماتیک است؛ واکاوی تیمی که ستارگانش در آسمان می‌درخشیدند، اما پاهایش در باتلاق واقعیت گیر کرده‌بود.

گیوتین کاماوینگا

برای درک عمق فاجعه مونیخ، بی‌امادریدی‌ها، باید به سراغ آن لحظه مهلک رفت؛ به نقطه صفر مرزی فروپاشی. تا دقیقه ۸۶، رئال مادرید با نتیجه سه بر دو پیش بود. طرح تاکتیکی آوارو آر بلوا، با وجود تمام انتقادات، تا آن لحظه شبشبه به یک شاهکار بی‌نقص کار می‌کرد. آ‌دا گولر با دبل خیره‌کننده‌اش، نقش یک قاتل خاموش را بازی کرده بود و رئال، با چنگ و دندان از اندوختن‌اش دفاع می‌کرد. استرس، چنان طنابی ضخیم، گلوی مونیخ (و امی‌فشر) دو به نظر می‌رسید پادشاه در حال بازگشت به تخت سلطنت است.

امادر فوتبال، فاصله‌بین «حماسه» و «سقوط»، گاهی کمتر از یک ثانیه است. ادوار دو کاماوینگا، جوان درخشانی که در میانه میدان همواره نماد ظرافت و قدرت بود، ناگهان تسلیم فشار خردکننده ماشین بی‌رحم فوتبال مدرن شد. یک تکل ساده در زمین حریف و بعد حمل بی‌مورد توپ برای چند ثانیه کوتاه، نه یک خطای تاکتیکی که یک خودکشی ذهنی بود. وقتی کارت زرد دوم و سپس کارت قرمز از جیب داور خارج شد، سکوتی مرمگبار نیمکت رئال را فرا گرفت. آن کارت قرمز، صرفاً خروج یک بازیکن نبود؛ پاره شدن شریان حیاتی

هیچ کس در مادرید به اندازه آوارو

آر بلوا، طعم گس این شکست را با تمام جودش حس نمی‌کند. او که روزگاری سر باز وفادار همین باشگاه بود، حالا در قامت سرمربی، لبه تیز شمشیر، فلور تینیسو پرز را روی گردن خود احساس می‌کند

اتفاق روز

نگاهی به وضعیت تیم ملی در آستانه جام جهانی

ماموریت ژنرال

نازنین دشتی

در شرایطی که تنش‌های سیاسی و امنیتی در منطقه به اوج خود رسیده و سایه سنگین جنگ بر تمام جوانب زندگی از جمله فوتبال گسترده شده، اظهارات اخیر رئیس فدراسیون جهانی فوتبال، جیانی اینفانتینو بر دیگر توجه‌ها را به سمت یکی از پرچالش‌ترین رویدادهای ورزشی پیش رو جلب کرد. اینفانتینو در آخرین اظهارنظر خود با لحنی قاطع تأکید کرده‌است که تیم ملی فوتبال ایران، با وجود تمام موانع و گمانه‌زنی‌ها، در جام جهانی ۲۰۲۶ شرکت خواهد کرد.

این سخنان در حالی مطرح می‌شود که پشت پرده این تصمیم، جدال‌های دیپلماتیک، چالش‌های امنیتی و بحران‌های داخلی تیم ملی، داستانی پیچیده و پرکشش را رقم زده‌است. حضور تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ که قرار است به میزبانی مشترک سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک برگزار شود، از همان ابتدا با حواشی و ابهامات زیادی روبه‌رو بود. فرقه کشتی‌سرنوشت را به گونه‌ای رقم زد که هر سه دیدار تیم ملی ایران در مرحله گروهی، در خاک ایالات متحده آمریکا برگزار شود. این موضوع، با توجه به سابقه روابط تیره و تار دو کشور و تشدید تنش‌های پس از شروع

سیاسی-ورزشی تبدیل شد.

با آغاز جنگ و افزایش

نگرانی‌ها، مسئولان ایرانی

تلاش گسترده‌ای را برای

تغییر محصل برگزار

مسابقات آغاز کردند.

هدف اصلی، انتقال

بازی‌های تیم ملی از

آمریکا به مکزیک

بود. مکزیک،

به عنوان یکی

دیگر از میزبانان

جام جهانی و

کشوری که روابط

دیپلماتیک بهتری با

چاپ: کارو کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

toseirani.ir



می‌کردند که قطعه گمشده پازل تسلط مطلق بر اروپا و جهان را پیدا کرده‌اند.

فراز از مسائل تاکتیکی، رئال مادرید باید روح خود را بازیابی کند. در سال‌های اخیر، این تیم همواره با اتکا به جادوی برنابئو و بازگشت‌های احساسی زنده مانده بود. اما در مونیخ ثابت شد که معجزه، همیشه رخ نمی‌دهد. فوتبال نیازمند ساختار، برنامه و استقامت روانی ۹۰ دقیقه‌ای است. مادریدی‌ها باید یاد بگیرند که نمی‌توان همیشه روی لبه پررنگه راه رفت و انتظار داشت که دست نامرئی تاریخ، آنها را نجات دهد. رئال مادرید از لیگ قهرمانان حذف شد. لالیگا را باخت. پروژه کهکشانی جدید، با یک شکست مهیب مواجه شد. در راه‌روهای برنابئو، اکنون سکوتی سنگین حکم فرماست؛ سکوتی که صدای خرد شدن غرور یک امپراتوری را در خود پنهان کرده‌است. کیلیان امپابه می‌داند که استعدادهای فوتبال خیره‌ماننده و می‌داند که استعداد او به تنهایی کافی نیست. ادوار دو کاماوینگا احتمالاً شب‌ها با کابوس اخراج دقیقه‌۸۶ خواب می‌بیرد. و آوارو آر بلوا، مردی که می‌خواست تاریخ‌ساز شود، حالا در حال جمع کردن وسایلیش از دفتری است که دیگر به او تعلق ندارد. جهنم مونیخ، نقطه بایاتی بر یک فصل پر از توهم و اشتباه بود. اما تاریخ فوتبال با ما یس‌ادآوری می‌کند که رئال مادرید، قفنوس‌سی است که به خاکستر شدن عادت دارد. آن‌ها خواهند سوخت، درد خواهند کشید و تاوان خواهند داد تا شاید در فصلی دیگر، با درس گرفتن از زخم‌های عمیق کاماوینگا‌ها و آر بلوا‌ها، دوباره بر فراز اروپا پرواز متفکرندارند. در تابستان پیش‌رو، پرز باید سیاست خرید مهاجمان پرزرق‌وبرق را متوقف کند و تمرکزش را روی ترمیم قلب دفاعی و مهندسی خط هافبک بگذارد.

امپابه قرار بود نه‌تنها یک گلزن، که یک ناچی موعود باشد. اما واقعیت فوتبال، بار دیگر به تئوری «خرید موفقیت با پول و ستاره» پوزخند زد. امپابه از نظر فردی، کارنامه‌ای درخشان بر جای گذاشته است. او در لالیگا گل زده، در لیگ‌قهرمانان درخشید و حتی در مونیخ، در دقیقه ۴۳ یک گل حیاتی را به ثمر رساند تا نشان دهد در شب‌های بزرگ، مرد میدان است. اما مشکل اینجا بود که رئال مادرید، در زیر سایه سنگین نام او، هویت تیمی خود را گم کرد. حضور امپابه در دو فصل اخیر، توازن تاکتیکی تیمی که پیش از این بر پایه فداکاری گروهی و کار تیمی بناشده بود را بر هم زد.

او در لالیگایم درخشید، اما تیم در برابر مایور کا امتیاز می‌داد؛ او در اروپا گل می‌زد، اما خط دفاعی تاب مقاومت در برابر حملات حریف را نداشت. امپابه تبدیل به دانشمندی شد که روی تپهای از خاکستر ایستاده است. درخشش فردی او، نتوانست سرپوشی بر ضعف‌های ساختاری تیمی بگذارد که در میانه میدان قاتل یک رهبر طراح بود و در خط دفاعی، شکننده‌تر از همیشه نشان می‌داد. رئال مادرید متوجه شد که یک فوق‌ستاره، هر چقدر هم که بزرگ باشد، نمی‌تواند جور فقدان یک سیستم منسجم را بکشد. تراژدی امپابه در این فصل این است که او بهترین خودش بود، اما در تیمی که بدترین نسخه سال‌های اخیرش را ارائه می‌داد.

ژنرال محکوم به مرگ

هیچ کس در مادرید به اندازه آوارو آر بلوا، طعم گس این شکست را با تمام جودش حس نمی‌کند. او که روزگاری سرباز وفادار همین باشگاه بود، حالا در قامت سرمربی، لبه تیز شمشیر فلور تینیسو پرز را روی گردن خود احساس می‌کند. آر بلوا پیش از بازی برگشت، با آن جمله مغرورانه که «اگر تیمی بتواند بایرن را در مونیخ شکست دهد، آن تیم رئال است»، قمار بزرگی کرد. او می‌خواست با

نمی‌شود. اظهارنظر‌های مقامات آمریکایی نیز بر پیچیدگی ماجرا افزوده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا تاکنون دو اظهارنظر پیرامون حضور تیم ملی ایران در ایالات متحده داشته است. ابتدا، موضعی نسبتاً بی‌تفاوت اتخاذ کرد و گفت که برایش فرقی نمی‌کند تیم ایران راهی جام جهانی شود یا نه.

اما در پیامی که با تاب بسیار زیادی هم پیدا کرد، در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «به تیم ملی فوتبال ایران برای حضور در جام جهانی خوش آمد می‌گویم، اما حقیقتاً فکر نمی‌کنم حضورشان در آنجا مناسب باشد. این را به خاطر جان و امنیت‌شان می‌گویم.» این اظهارنظر، گره معادلات را کورتر کرد. از یک سو ترامپ به ظاهر نگران امنیت بازیکنان ایرانی است، اما از سوی دیگر این سخنان می‌تواند به عنوان یک تهدید ضمنی یا پیش‌بینی حوادث احتمالی تلقی شود. واکنش‌ها در تهران به این اظهارات، نشان داد که این موضوع به یک مسئله امنیتی جدی تبدیل شده‌است.

مساله تنها سیاسی و امنیتی نیست. از نظر روانی و فنی نیز تیم ملی برای شرکت در جام جهانی ۲۰۲۶ با مشکلات زیادی مواجه است. بخشی از داستان، به تمرکز بازیکنان مربوط می‌شود. در شرایطی که کشور درگیر جنگ است، انتظار می‌رود تمرکز بازیکنان، به شدت تحت تأثیر قرار گیرد. باید دید در زمان آغاز تورنمنت، شرایط کشور به چه شکل است و آیا بازیکنان می‌توانند ذهنی آسوده وارد میدان رقابت شوند. از نظر فنی هم ام‌اغل‌ب ملی پوشان ششغال در لیگ ایران مدت‌هاست تمرین و بازی درست و حسابی نداشته‌اند و از فرم مطلوب فاصله دارند. لیگ داخلی، به دلیل شرایط جنگی و تعطیلی‌های مکرر، از کیفیت لازم برخوردار نیست. این وضعیت، به‌طور مستقیم بر آمادگی بازیکنان تأثیر گذاشته‌است. بازتاب این وضعیت را می‌شد در سطح کیفی این نفرات در دیدار دوستانه با نیجر به دید.

تیم ملی، در این بازی دوستانه، عملکردی ضعیف از خود نشان داد و این نگرانی را ایجاد کرد که آیا بازیکنان در سطح استاندارد جام جهانی قرار دارند یا خیر. جام جهانی، بزنگاه متفاوتی است در راستای کاملاً بالاتری بر گزار می‌شود. در این مدت، تک‌تک بازیکنان تیم ملی هم به خاطر برخی حواشی خود زیر ذربین رفتند و خبرساز شدند. شاید اصلی‌ترین چهره از این دست، سردار آزمون بود؛ مهاجم سرشناس تیم ملی که در طول جنگ یک‌استوری از تصویبی از حکام اماراتی منتشر کرد و مورد غضب قرار گرفت. پس از آن، خبر اخراج آزمون از تیم ملی منتشر شد و او از اردوی اخیر تیم ملی و دو بازی دوستانه در کشور ترک‌یه کنار رفت.

این اتفاق، نه‌تنها حواشی سیاسی را به داخل تیم ملی کشاند، بلکه از نظر فنی نیز امیر قلعه‌نویی را با چالشی بزرگ روبه‌رو کرد. سردار آزمون، یکی از مهم‌ترین بازیکنان تیم ملی است و غیبتش می‌تواند به مشکلات قلعه‌نویی دامن بزند. تا این لحظه روشن نیست سرنوشت آزمون چه خواهد شد و آیا او به تیم ملی باز خواهد گشت یا خیر. اما این ماجرا، نشان می‌دهد که فضای تیم ملی، به شدت تحت تأثیر مسائل غیرورزشی قرار گرفته‌است.

در نهایت باید گفت در حالی که فیفا پسر حضور ایران در جام جهانی اصرار دارد، واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که این حضور، نه یک رویداد ورزشی عادی، بلکه یک ماموریت پرخطر و پرچالش برای تیم ملی خواهد بود و باید دید قلعه‌نویی می‌تواند از این ماموریت سربلند بیرون بیاید یا خیر.

